

نظری بر اهداف تربیتی در دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره)

دکتر سیدحسین حسینی*

چکیده

این نوشته‌ی کوتاه پس از بیان «حساسیت تعلیم و تربیت» در ارتباط موضوع آن با شئون مختلف بشر امروزین، از پی جویی الگوی تربیتی دینی سخن می‌گوید؛ با طرح یکی از شاخه‌های آن؛ یعنی تبیین اهداف تربیتی در دانشگاه‌های جامعه‌ی اسلامی.

آنگاه به بحث «روش نظر به اهداف تربیتی» اشاره رفته است و اینکه: اولاً، برای دستیابی به اهداف تربیتی بایستی نظری به نظام تربیتی در اسلام بیفکنیم و دوم، لازمه‌ی تحقق پرورش اجتماعی، آن است که اهداف تربیتی در دانشگاه‌ها را نیز دنبال نموده تا گامی در مسیر تبیین الگوهای پرورش اجتماعی در نظام اسلامی برداشته شود. سپس در بخش سوم مقاله، با مرور بر پاره‌ای سخنان حضرت امام (ره)، به تبیین اهداف تربیتی در دانشگاه‌ها می‌پردازد: «تهدیب و تربیت انسانی»، «همراهی علم و ایمان»، «ایجاد و تقویت حس خدمت‌گزاری»، «استقلال طلبی و عدم وابستگی»، «ایستادگی و

استواری»؛ بعضی از سرفصل‌هایی است که از آن به اجمال سخن گفته شده است.

در بخش پایانی کلام بر چند فراز مهم تأکید می‌شود که از آن جمله‌اند: اول؛ ضرورت تحقیق دقیق در موضوع بحث. دوم؛ ضرورت نیاز به تغییر و تحوّل در نظام دانشگاهی، به ویژه در ابعاد دستیابی به علوم انسانی نوین و به خصوص در ابعاد الگوهای تربیتی. سوم؛ ضرورت همکاری، همیاری و سازمان‌دهی واحد نهادهای فرهنگی جامعه در جهت نیل به آرمان‌های فرهنگی مطلوب.

واژگان کلیدی

دانشگاه، تعلیم و تربیت، اسلام، انقلاب اسلامی، تهذیب، استقلال، امام خمینی.

حساسیت تعلیم و تربیت

اهمیت تعلیم و تربیت در شئون مختلف حیات بشری، یکی از دلایل عدم اتفاق و اجماع اهل نظر در ارائه‌ی تعریف مشترکی از مفهوم آن شده است. شمولیت و عمومیت این مفهوم، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن از سایر مفاهیم (به خصوص در محدوده‌ی علوم انسانی)، پیشرفت فزاینده و توسعه‌ی معرفت انسانی، تکنولوژی و حتی صنعت، و در نهایت «تمدن نوین بشری»؛ همه دلیل آن است تا صاحبان اندیشه در تعریف این مفهوم «کهن و نوین» با احتیاط قلم بر کاغذ گذارند.

نظری گذرا بر آراء گوناگون اندیشمندان غربی و شرقی از قدیم تا جدید،

شاهد مناسبی بر این ادعاست.^(۱) جالب است بدانیم تنها در مورد عمومیت تئوری‌های تعلیم و تربیت، این مساله تا آنجا پیش رفته که بعضی از صاحب‌نظران، اصولاً فلسفه و تفکر فلسفی را چیزی جز بحث از تئوری عام تعلیم و تربیت ندانسته‌اند.^(۲)

از آنجا که مسایل مربوط به تعلیم و تربیت، از انسان و اعمال فردی او آغاز شده و سپس تا نهاد کوچک خانواده و نیز جامعه و جوامع بشری ادامه می‌یابد، لذا همواره مورد توجه صاحبان اندیشه بوده است. سابقه‌ی تاریخی و دیرینه‌ی فرهنگی نظام‌های تعلیم و تربیتی بهترین گواه بر این مساله می‌باشد.^(۳) تنها اشاره کنیم که، بزرگانی چون «ابوحامد محمد غزالی» و یا «خواجه نصیرالدین طوسی» تعلیم و تربیت را آشرف صناعات دانسته‌اند^(۴) و در دنیای جدید نیز معروف است که «راسل» در کتاب خود از «تربیت» به عنوان «کلید جهان نو» یاد می‌کند.^(۵) علاوه بر این، ظهور گرایش‌های مختلف و متنوع در این رشته^(۶)، دلالت خوبی بر اهمیت و حساسیت

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. ر.ک به: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، «فلسفه‌ی تعلیم و تربیت»، جلد اول، بخش دوم، تهران، انتشارات سمت، تابستان ۱۳۷۲.
۲. ر.ک به: حسینی، سیدعلی اکبر. مقاله‌ی «مبانی تربیتی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، ارائه شده به کنگره‌ی بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۷۳.
۳. ر.ک به: حسینی، سید علی اکبر. «سیری اجمالی در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی». تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ و نیز منبع پیشین در پاورقی شماره‌ی ۱.
۴. «فلسفه‌ی تعلیم و تربیت»، جلد اول، ص ۱۸.
۵. نقل از مقاله‌ی «مبانی تربیتی از دیدگاه امام خمینی(ره)».
۶. بنا به نقلی، تا بحال حدود ۱۷ گرایش در این رشته بوجود آمده است.

موضوع در دنیای علوم و تمدن جدید بشری دارد.^(۱)

اگر مروری بر تعاریف گوناگونی که از تعلیم و تربیت شده بیندازیم و در مقایسه‌ای این گونه، نقطه نظر خود را بر «اهداف تربیتی» متمرکز کنیم با چنین پاسخ‌هایی رو به رو می‌شویم:

تعلیم و تربیت با هدف خشنودی و سعادت جاودانی، سعادت فردی و اجتماعی، سازگاری انسان با محیط، اجتماعی شدن انسان، بازسازی تجربه و رشد دموکراسی اجتماعی، کمال دنیوی و اخروی، عدالت اجتماعی، قُرب الهی، ملکات علمی و فضایل اخلاقی، سعادت حقیقی و غیره.

اما ورای همه‌ی این ایده‌آل‌ها، اگر گوشه‌ی چشمی به «انسان امروزی» داشته باشیم، پرسش‌های بسیاری را مطرح می‌بینیم که در یک سؤال خلاصه می‌شود: آیا مدل‌های تعلیم و تربیت کنونی توانسته‌اند این مطلوبیت‌ها را برای بشر امروزی به ارمغان بیاورند؟^(۲)

به هر حال، علت عدم جواب‌گویی مدل‌های موجود را باید در فلسفه‌های تعلیم و تربیت و به بیانی دیگر، در نحوه‌ی نگرش به انسان و مسایل انسانی و ابعاد وجودی او جستجو نمود.

بر این اساس، مکتبی که توان تحلیل «صحیح، جامع و مطابق با واقع» از

۱. رجوع شود به: «فلسفه‌ی تعلیم و تربیت»، جلد اول، ص ۲۱.

۲. «... تعلیم و تربیت در قرن ما در پرورش انسانهایی که بتوانند پیوسته خود را با تغییرات و اوضاع جدید منطبق سازند ناتوان است... دو فلسفه‌ی تعلیم و تربیت موجود در غرب (تجربه‌گرایی و پراگماتیسم) نیز توانایی حل این تضاد را ندارند و نه تنها انسان غربی را از این تضاد رها نساخته‌اند بلکه او را در دریای بیکران هستی رها کرده‌اند بطوری که از ساحل ثبات خیری نیست». ر.ک: همان، صفحه‌ی ۱۰۶ و ۱۰۷.

انسان و صفات انسانی را داشته باشد، بهترین «نظام فکری» را برای ابداع الگوها و مدل‌های تعلیم و تربیتی ارائه کرده است. و پس از قرن‌ها، انقلاب عظیم اسلامی در پی اعلان و اثبات این ادعای سنگین بود!

ما بر این ادعا هستیم که مسلمین با پشتوانه‌ی غنی مکتب متعالی اسلام، توان دستیابی به مدل‌های تربیتی اسلام را دارا هستند و اگرچه پس از انقلاب اسلامی در این زمینه قدمهایی برداشته شده، ولی هنوز راه درازی در پیش داریم.

بسنا براین، نگرش ارگانهای فرهنگی جامعه‌ی اسلامی (بخصوص دانشگاهها) به این علوم، دارای جایگاه و نقش ویژه‌ای خواهد بود و در این راستا، سخن از «اهداف تربیتی در دانشگاه» نیز ضروری است.

اگر تعلیم و تربیت در دنیای کنونی از اهمیت محسوسی برخوردار بوده و مدل‌های موجود نیز در تحقق ایده‌آل‌های بشر ناتوانند، و اگر مکتب اسلام در ادعای خود مُحَقِّق است و از طرفی انقلاب اسلامی نیز اکنون پرچمدار آن اسلام شمرده می‌شود، و اگر در جامعه‌ی اسلامی، دانشگاهها به عنوان یکی از دو قطب حیات ملت به شمار می‌روند؛^(۱) پس این مراکز، از بهترین و ضروری‌ترین ارگانهایی هستند که باید بتوان طراحی مدل‌های تربیتی

۱. اشاره به سخنان امام راحل که فرمودند: «این دو قطب [حوزه و دانشگاه] تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند». ر.ک: «در جستجوی راه از کلام امام»، دفتر بیست و یکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۲۲ و نیز بیانات ایشان در «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی(ره)»، تهران، کنگره‌ی بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی(ره)، خرداد ۱۳۷۳، صفحات ۱۶۳۰، ۱۶۳۲، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹.

اسلامی را در آنها جستجو کرد. مسلم در این چارچوب، یکی از مباحث ضروری، تبیین اهداف تربیتی در دانشگاه‌هاست تا نظام اسلامی را در جهت تخمین و ابداع نوآوری‌های جدید فکری یاری رساند.^(۱)

روش نظر به اهداف تربیتی

الف) ارتباط «اهداف» با «نظام تربیتی» در اسلام

مشخص کردن «اهداف تربیتی» بدون نظر به «نظام تربیتی» در سطح «کلان»، نوعی پیش‌داوری ذهنی است که به راحتی می‌توان در حقانیت و کارایی آن تردید کرد. بحث از نظام تربیتی نیز همواره با مجموعه‌ی عوامل مرتبط و منسجمی همراه است؛ مباحثی چون «اهداف»، «مبانی»، «مواد»،

۱. برخلاف آنچه عده‌ای از دوستان انقلاب می‌پندارند طراحی مدل‌های نوین اسلامی، که همواره محل ضرب آراء گوناگونی نیز بوده است، امری کاملاً ابداعی و محتاج نوآوری است و این فکر که با تقلید از نگرش‌های معرفتی و انسان‌شناسی امروزی به همراه پاره‌ای آیات و روایات می‌توان به تلفیقی موزون دست یافت، کاملاً مخدوش و از سر ساده‌اندیشی است.

کلام آن نویسنده‌ی عرب را (هر چند در سالهای پیش گفته) بخاطر می‌آوریم که گویای این حقیقت است: «وقتی ما از نوآوری فکری عاجز باشیم ناچار خواهیم بود به تقلید فکری تن دهیم. در خاورمیانه، وضعیت بگونه‌ای است که سه نوع تقلید فکری داریم؛ اول؛ تقلید از اندیشه‌های غربی؛ دوم تقلید از اندیشه‌های مارکسیستی و سوم؛ تقلید از اندیشه‌های پیشین. فقدان نوآوری فکری از عوامل اینگونه تقلید است.» محمد السماک، «مجله‌ی کیان»، شماره ۵، ۱۳۷۲، صف ۶.

و به قول شاعر:

مثل آینه مشو محو جمال دگران از دل و دیده فرو شوی خیال دگران
در جهان بال و پر خویش گشودن آموز که پریدن نتوان با پر و بال دگران.

«روش‌ها» و «برنامه‌ها» که جای تفصیل آنها در این نوشتار نیست.

فقط اشاره‌ای کوتاه که یکی از وجوه ممیز مکتب اسلام، نگرش همه جانبه‌ی آن به «انسان» می‌باشد. در دیدگاه اسلام، ابعاد وجودی انسان جدای از یکدیگر دانسته نشده و در مسیر رشد و تعالی، تکیه بر هماهنگی و ارتباط معقولِ قوای انسان است.^(۱)

«ابعاد انسان، ابعاد همه‌ی عالم است و اسلام برای تربیت انسان در همه‌ی ابعاد است».

آیات^(۲) و روایات دینی مشحون از تبیین مسایل «انسان‌شناسی» است و به خوبی می‌توان از آنها، در زمینه‌های سه مسأله‌ی مهم «ماهیت انسان، ویژگی‌ها و علت وجودی‌اش» لطایفی را برداشت و استخراج کرد.^(۳)

تربیت و پرورش صفات انسانی، متناسب با مقام قرب، یکی از اصول تربیتی در این دیدگاه شناخته می‌شود؛ به خصوص تربیت روحی فرد که می‌تواند زمینه‌ساز تغییر و تحول در سایر ابعاد انسان باشد:

«... اسلام در هر دو رکن سفارش اکید فرموده است و «پرورش»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. از بیانات امام در این باره: «... اسلام همه چیز است. اسلام آمده است انسان درست کند و انسان، همه چیز است. انسان همه‌ی عالم است. آن که مری انسان است باید آشنا بر همه‌ی عالم باشد و انسان را، به همه‌ی مراتب آشنا باشد تا بتواند این انسان را به آن مدارجی که دارد برساند». «در جستجوی راه از کلام امام»، دفتر بیست و یکم، تاریخ ۵۸/۴/۱۷ و نیز ۵۸/۳/۱۶ و ۵۷/۸/۶ و نیز ر.ک: «صحیفه‌ی انقلاب» (وصیت‌نامه‌ی حضرت امام. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۸.

۲. سخنرانی امام در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۲۰.

۳. در این مورد فقط به نمونه‌هایی از کلام امام اکتفا شد. رجوع شود به پاورقی شماره‌ی

۱، بخش سوم.

سفارشش بیشتر شده و اهمیّتش بیشتر است»^(۱).

«... گمان نکنند بعضی از این اشخاص که در اسلام راجع به جامعه چیزی نیست یا راجع به امور تربیتی کم است، اسلام، عمیق‌تر از همه جا و از همه‌ی مکتب‌ها راجع به امور انسانی و امور تربیتی [بیشتر مطلب] دارد که در رأس مسایل اسلامی است... تربیت، تربیت قرآنی باشد، قرآن غنی‌ترین کتابهای عالم است در تعلیم و تربیت، منتهی متخصص لازم دارد»^(۲).

این نکته نیز بر همه‌ی محققین آشکار می‌باشد که آغاز دستورات نورانی اسلام همراه با تأکید بر تعالی روح و کمال انسانی بوده است.^(۳)

ب) اهمیّت تحقق «پرورش اجتماعی»

نکته‌ی دیگری که باید افزود این است که تربیت و پرورش روحی، مادام که از محدوده‌ی انفرادی خود فراتر نرود نمی‌تواند تأثیری وّرای قدرت ارتباط روحی شخص با فرد و یا احیاناً افرادی معدود و محدود را فراهم کند. این تنها پرورش نفسانی نظام یافته است که توان خلق و توسعه‌ی میدانهای اجتماعی را در جهت اهداف تربیتی (مخفی و پنهان) خود دارد و در آن صورت نه تنها افراد جامعه را به راحتی تحت نفوذ درآورده و آنها را به سمت مطلوبیّت‌های مورد نظر، هدایت و سازمان می‌دهد که حتی قدرت رویارویی با نظام‌های اجتماعی هم عرض خود را نیز در سطح جهانی دارا

۱. «در جستجوی راه از کلام امام»، صفحه ۲۵۲، (تاریخ سخنرانی: ۶۱/۶/۲۸).

۲. همان، ص ۲۳۴، تاریخ (۶۰/۹/۱۸).

۳. اشاره به آیات: «اقراء باسم ربك الذی خلق...» (سوره‌ی علق) و «لقد مرّ الله علی المؤمنین إذ یبغث فیهم رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین». (آل عمران/ ۱۵۸).

خواهد بود.

و البته مکتب اسلام دستمایه‌های این دیدگاه را در جای جای «نظام پرورشی» خود گنجانده است. (اگر چه مسلمین در سده‌های اخیر از توجه به آن غافل بوده‌اند!).

بر این بنیان، شکی نیست که تحقق «تربیت و پرورش اجتماعی» در جامعه‌ی اسلامی، مقرون با «نظام اجتماعی اسلام» خواهد بود و دانشگاهها به عنوان یکی از ارکان رئیسه‌ی جامعه‌ی اسلامی^(۱)، نقش مهمی در این مورد بعهده دارند.

یکی از موضوعات مهم در این باب، مشخص شدن «اهداف تربیتی در دانشگاه» است تا به این وسیله، در مسیر بدست آوردن «مدل‌های پرورش اجتماعی در اسلام» توان علمی لازم بدست آید. این اهداف، خطوط کلی این علوم را (بخصوص در بُعد تربیتی) تبیین خواهد کرد.

مفهوم «تربیت» در دانشگاه در دو مرحله مدّ نظر است: نخست، توجه به اساتید و دانشجویان از جهت تأثیر فوق‌العاده‌ی این قشر در رشد تربیت روحی افراد جامعه^(۲) و مهمتر از آن، نظر به حقیقت علوم دانشگاهی از جهت میزان تأثیر و کاربرد این دانش در ارتقاء و یا افول پرورش روحی نظام

۱. «... دانشگاه، بزرگترین مؤسسه‌ی مؤثر در کشور بوده و بزرگترین مسؤولیت‌ها را هم دانشگاه دارد...». «در جستجوی راه از کلام امام»، صفحه ۲۲ (تاریخ ۵۸/۳/۲۱) و نیز رجوع شود به: پاورقی شماره‌ی ۹.

۲. «... باید یک مملکتی که عهده‌دار تربیتش دانشگاه است... عهده‌دار انسان‌سازی باشد که وقتی جوان‌ها از دانشگاه بیرون آمدند، انسان بیرون آمده باشند...» همان، ص ۲۳ (۵۸/۳/۲۱).

اجتماعی. (۱)

پس، در این قسمت به دنبال این پرسش هستیم که تربیت دانشگاهی مطلوب در نظر حضرت امام (ره) باید دارای چه خصوصاتی باشد؟ به عبارتی؛ دانشگاه ایده آل در نظر ایشان باید چه اموری را به عنوان اهداف تربیتی فراروی خود قرار دهد تا دستاوردهای علمی اش در مسیر آن محورها پرورش یابد؟ و به بیانی؛ اساتید و دانشجویان که قالب اصلی دانشگاهها را تشکیل می دهند، باید دارای چه روحیه های تربیتی باشند؟ البته اگر موضوع اصلی علوم دانشگاهی را در صورت مساله قرار دهیم، مسلماً سؤال دقیق تر خواهد شد!

اینک با مروری بر سخنان حضرت امام (ره) اجمالاً بعضی از سرفصل های این موضوع را برمی شمیریم. (۲)

تبیین اهداف تربیتی

الف) تهذیب انسانی

این عنوان را می توان از موضوعاتی دانست که ایشان در مورد مسایل دانشگاهی، بیشترین اشاره ها را به آن داشته اند: (۳)

۱. «... شما می دانید که هر چه از خوبی ها و بدی ها برای یک ملت تحقق پیدا می کند، وابستگی یا استقلال، در قید و بند بودن و اختناق یا آزادی، تابع تربیت های دانشگاهی است...». همان، ص ۲۸ (۶۱/۹/۷).

۲. آنچه می آید مختصری است که با توجه به کمبود و نقص فیش های موجود تهیه شده است و الا باید در جای خود پس از تفحص تفصیلی، دقیقاً موضوعات را استخراج و سپس دسته بندی و نتیجه گیری کرد.

۳. جهت جلوگیری از طولانی شدن مقاله، فقط به چند نمونه شاهد بسنده شده است.

- «ما اگر فرض کنیم که دانشگاه ما یا فیضیه‌ی ما، علوم را بطور وافر می‌دانند و تدریس هم می‌کنند لکن فرض کنیم که پرورش روحی و تهذیب نفس و اخلاق در آن نباشد آیا از این تربیت علمی فقط منهای تربیت‌های روحی و پرورش معنوی برای کشور شما چه چیزی حاصل می‌شود؟ برای اسلام عزیز و مردم و ملت چه چیزی حاصل می‌شود؟»^(۱)

- «... دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود... دانشگاه باید یک مرکز درست کردن انسان باشد...»

... بنابراین کار، کار بسیار شریف و مسؤولیت، مسؤولیت بسیار زیاد است. الان این مسؤولیت به دوش ما و شماست. این مسؤولیت بزرگ یعنی سعادت ملت را شما و ما باید بیمه کنیم...»^(۲)

- «نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است... این دو قطب تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند. و لهذا این کار از همه چیز بالاتر و شریفتر است... این کار، همان کار انبیا است. همه‌ی انبیا و قرآن کریم، برنامه‌ی آدم‌سازی دارند. این دو قطب هر دو مأمور آدم‌سازی هستند و مسؤولیت آنها بالاتر از همه‌ی مسؤولیت‌هاست...»^(۳) و^(۴)

۱. «در جستجوی راه از کلام امام»، صف ۱۴۶ (تاریخ ۶/۶/۶۱).

۲. همان، ص ۱۹ (تاریخ ۵۸/۳/۱۶).

۳. همان، ص ۲۲ (تاریخ ۵۸/۳/۲۱).

ب) همراهی علم و ایمان

- «... این دو مرکز که مرکز علم است، هم می‌تواند مرکز تمام گرفتاری‌های بشر باشد و هم می‌تواند مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی بشر باشد. علم و عمل، علم و تعهد، به منزله‌ی دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند.»^(۵)

«.. اساتید دانشگاه و اساتید حوزه‌ها هم به تقوا باید اهمیت خاص بدهند که اگر علم تنهای بی‌تقوا باشد ولو علم توحید باشد، ولو علم ادیان باشد، در آن عالم ارزش ندارد... پس باید همراه این آموزش، آموزش تقوا هم باشد...»^(۶)

«... نمی‌گوییم از علم و عرفان و فلسفه بگریز و با جهل عمر بگذران که این انحرافی است. می‌گوییم کوشش و مجاهده کن که انگیزه، الهی و برای دوست باشد و اگر عرضه کنی، برای خدا و تربیت بندگان او باشد نه برای ریا و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۴. جهت اطلاع بیشتر به این موارد رجوع شود: همان منبع، صفحات ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۶، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۴۶، ۲۵۲ و نیز: «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی(ره)»، صفحات ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۳۱، ۱۶۴۵، ۱۶۵۰، ۱۸۳۲، ۱۸۳۸ و نیز: «صحیفه‌ی نور»، تهران، سازمان مدارک فرهنگی، جلد ۱۹، صفحات ۱۰۵ و ۲۱۱ و نیز: «جهاد اکبر» حضرت امام(ره). تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۶۳.
۵. «در جستجوی راه از کلام امام»، صفحه‌ی ۱۴۰ (تاریخ ۵۹/۹/۲۷).
۶. «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی(ره)»، ص ۱۶۲۶ (تاریخ ۶۱/۱۰/۵).

خودنمایی...»^(۱).

«.. دانش تنها فایده ندارد، بلکه دانش و تعهد با همدند که می‌توانند انسان را بجایی برسانند که محتاج دیگران نباشد.»^(۲)

- «آن چیزی که دانشگاه را بارور می‌کند که برای ملت و کشور مفید است؛ آن عبارت از محتوای دانشگاه است نه درس... علم ما آدای ایمان، فساد می‌آورد... اگر ایمان با تخصص نباشد، تخصص، مضر است...»^(۳) و ^(۴)

ج) حس خدمت‌گزاری

«... ما می‌گوییم باید بنیاداً دانشگاهها تغییر بکنند. می‌خواهیم بگوییم که دانشگاههای ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند، در خدمت ملت باشند نه در خدمت اجانب...»^(۵)

«... ما که می‌گوییم دانشگاه و فرهنگ اصلاح بشود، ما نمی‌خواهیم دانشگاه نباشد، ما می‌خواهیم دانشگاهی باشد

۱. همان، ص ۱۸۳۲ (تاریخ ۶۳/۳/۱۵).

۲. «صحیفه‌ی نور»، جلد ۱۹، ص ۱۴۲ (تاریخ ۶۴/۱/۲۷).

۳. «در جستجوی راه از کلام امام»، ص ۱۴۷ (تاریخ ۶۱/۹/۲۹).

۴. جهت اطلاع بیشتر به این موارد رجوع شود: همان منبع، صفحات ۱۴۸، ۱۰۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۳، و نیز «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)»، صفحات ۱۶۲۵، ۱۶۲۷، ۱۶۵۵، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۴، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹ و نیز «صحیفه‌ی نور»، جلد ۱۹، ص ۱۴۲.

۵. «در جستجوی راه از کلام امام»، ص ۲۱۱ (تاریخ ۵۹/۲/۱).

که برای ملت و برای خودمان باشد...

... مهم این است که وقتی فردی از دانشگاه بیرون بیاید بفهمد که من با بودجه‌ی این مملکت تحصیل کردم، متخصص شدم، به مقامات عالی‌ه رسیدم و باید برای این مملکت خدمت بکنم و برای استقلال این کشور خدمت‌گزار باشم... باید آنهایی که به این کشور علاقه دارند، آنهایی که به این ملت علاقه دارند... همت کنند به اینکه دانشگاه را یک مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد که همه تخصص‌ها در خدمت خود کشور باشد...

... آن کسی که مهذب نشده... احساس نکرده است که من برای این کشور هستم و از این کشور استفاده کردم و استفاده علمی‌ام را باید به این کشور تحویل بدهم... این اساتید دانشگاه... باید خودشان را مجهز کنند که این فرزندان ایرانی، متعهد و در خدمت خود ایران باشند. اگر اینطور بشود دانشگاه، بالاترین مقامی است که کشور ما را به سعادت می‌رساند...»^(۱) و^(۲)

۱. همان، صفحات ۱۴۲، ۱۴۳ (تاریخ ۵۹/۹/۲۷).

۲. جهت اطلاع بیشتر به این موارد رجوع شود: همان منبع، صفحات ۱۲۳، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۷ و نیز «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)»، صفحات ۱۶۲۶، ۱۶۴۳ و نیز «صحیفه‌ی نور»، جلد ۱۹، ص ۱۴۱.

د) استقلال‌طلبی و عدم وابستگی^(۱)

- «باید کوشش کنید آنچه را از دست داده‌اید [در طول مدت حکومت‌های دست‌نشانده] که مهمتر از همه، استقلال روحی است و لازمه‌اش احساس حقارت در مقابل حکومت‌های جور است، باز یابید...»^(۲)

- «در جمهوری اسلامی باید دانشگاهها متحول بشود، دانشگاههای وابسته؛ به دانشگاههای مستقل متبدل شود. فرهنگ ما باید متبدل بشود؛ فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلال شود.»^(۳)

- «... یک پرورش صحیح [آن است] که وقتی از دانشگاه بیرون می‌آیند مستقل در فکر باشند، مستقل در عمل باشند، تحت تأثیرگرایی‌های شرقی و غربی نباشند. خدمت‌گزار به کشور خودشان باشند نه خدمت به دیگران بکنند. این معنای انقلاب دانشگاه است.»^(۴)

- «... آنکه ما اصرار داریم اینکه دانشگاه که مغز متفکر یک ملت است باید از وابستگی‌های شرق و غرب کنار برود و نمی‌شود کنار برود الا اینکه فرم اسلامی پیدا کند...»

۱. این مورد نیز از مواردی است که در سخنان امام شواهد بسیاری را می‌توان برای آن ذکر کرد.

۲. «در جستجوی راه از کلام امام»، ص ۴۰ (تاریخ ۵۰/۲/۶ در پاسخ به پیام دانشجویان مسلمان خارج از کشور).

۳. همان، ص ۲۰۳ (تاریخ ۵۸/۱/۱۲).

۴. همان، ص ۲۱۷ (تاریخ ۵۹/۳/۳).

... ما دانشگاهی می خواهیم که ما را از وابستگی‌ها بیرون بیاورد، ما را مستقل کند... ما می خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم و یک کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را که مقدم بر همه‌ی وابستگی‌ها و خطرناکتر از همه‌ی وابستگی‌هاست نجات بدهد...»^(۱)

- «... باید دانشگاه جدید کند تا افراد را به گونه‌ای بار بیاورد و تربیت و تعلیم کند که احتیاج را از خارج سلب بکنند.»^(۲)

- «... اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک ملت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. عزیزان من، ما از محاصره‌ی اقتصادی نمی‌ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم...»^(۳) و^(۴)

۱. همان، صص ۲۲۶ و ۲۲۷ (تاریخ ۶۰/۳/۴).

۲. «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)»، ص ۱۶۵۶ (تاریخ ۵۸/۸/۱۱) و نیز: «صحیفه‌ی نور»، جلد ۱۰، صفحه ۱۰۷.

۳. «در جستجوی راه از کلام امام»، ص ۲۱۳ (تاریخ ۵۹/۲/۱).

۴. جهت اطلاع بیشتر به این موارد رجوع شود: همان منبع، صفحات ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۲۵، ۲۳۱ و نیز «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)»، ص ۱۶۲۶ و نیز «صحیفه‌ی انقلاب»، صص ۱۷ و ۲۴ و نیز «صحیفه‌ی نور»، جلد ۱۹، صص ۸۰ و ۱۸۷.

ه) ایستادگی و عدم تسلیم

- «... ما می‌خواهیم اگر چنانچه ملت ایران در مقابل غرب ایستاد! جوانهای دانشگاهی ما هم در مقابلش بایستند...»^(۱)

- «... باید کاری کنید که دانشگاه‌هایمان روش توده‌های مردم را داشته باشد که اگر ملتی چیزی را خواست، خلافتش را نمی‌توان بر آن تحمیل کرد. شما ملاحظه کنید توده‌های میلیونی ما چگونه منقلب شده‌اند و به این معنا توجه کرده‌اند که باید در مقابل ابرقدرتها بایستند، دانشگاه باید مرکز رشد چنین امری باشد...»^(۲)

- «... دانشگاهها در سرتاسر دنیا در خدمت ابرقدرتها هستند و بوده‌اند و ما می‌خواهیم چنین نباشد».

«... دانشگاه باید انسان ایجاد کند... اگر انسان بیرون داد...، انسان حاضر نمی‌شود که کشور خودش را تسلیم به غیر کند. انسان حاضر نمی‌شود که تحت ذلت و اسارت برود».^(۳) و^(۴)

۱. «در جستجوی راه از کلام امام»، صفحه‌ی ۲۱۲ (تاریخ ۵۹/۹/۲۱).

۲. «گزیده‌ی فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)»، ص ۱۶۲۵ (تاریخ ۶۴/۱/۲۷).

۳. همان، ص ۱۶۴۷ (تاریخ ۵۹/۹/۲۷).

۴. جهت اطلاع بیشتر به این موارد رجوع شود: «در جستجوی راه از کلام امام»، ص ۲۰۷ (تاریخ ۵۹/۱/۱) و نیز «امام و تعلیم و تربیت». مرکز امور اجتماعی و پرورشی آموزش و پرورش فارس، ص ۲۲ (تاریخ ۵۷/۱۱/۳۰).

کلام پایانی (ضرورت‌ها و بایدها)

با ذکر چند نکته این نوشته را به پایان می‌بریم:

الف) این موضوع محتاج بررسی و تعمیق شایان توجهی است. چه بسا با دقت و تفحص بیشتر، بتوان عناوین و شواهد دیگری را نیز در ردیف این مسایل قرار داد.

ب) با وجود اینکه در نظر اول ممکن است عنوان‌های «تهذیب و تربیت انسانی» و «همراهی علم و ایمان» یکسان جلوه کنند، اما تفکیک آنها براساس این دیدگاه صورت گرفته که موضوع تهذیب و پرورش انسانی، «اراده و اختیار» می‌باشد^(۱) که به دلیل جامعیت آن بر موضوع «پرورش روحی، ذهنی و عملی» ضرورتاً متمایز و مقدم بر آنها خواهد شد. بنابراین وقتی بحث از ضرورت تهذیب و تربیت انسانی می‌کنیم؛ موضوع سخن، پرورش اراده و اختیار است و آنگاه که لزوم هماهنگی علم و تقوا را به عنوان یکی دیگر از اهداف تربیتی برمی‌شمیریم در واقع موضوع اصلی، پرورش ذهنی و فکری انسان است. علاوه بر این، اگر به موارد متعددی از کلمات و سخنان حضرت امام (ره) نیز توجه و دقت کنیم، این تمایز به خوبی آشکار می‌شود.

ج) با توجه به مطالب فوق، می‌توان «تهذیب روحی» را نیز محور اساسی سه عنوان اخیر قرار داد.

«تحقق و رشد حس خدمت‌گزاری» و «روحیه‌ی استقلال‌طلبی و

۱. اصل در «تهذیب» تصمیم‌گیری فرد درباره‌ی نفس است. به عبارتی دیگر، تصمیم و اراده، شرط لازم و علم، شرط کافی تهذیب شمرده می‌شود و در جامعه نیز تصمیم اجتماعی و سازمانی، مقدمه‌ی «تهذیب اجتماعی» است.

ایستادگی در افراد»، حاصل پرورش و تربیت نظام حساسیت‌ها و صفات روحی است. صفت نفسانی در فرد، به عنوان «روحیه و اخلاق فردی» محسوب شده و اوصاف نفسانی در جمع و نظام اجتماعی، به عنوان «روحیه ملی یا روح جمعی» (و به تعبیری اخلاق اجتماعی) شمرده می‌شوند.

د) اهداف تربیتی را نباید تنها محدود به یک دیدگاه تک بُعدی کرد و آن را در چارچوب پرورش اخلاقی محصور دانست. تهذیب و تربیت در تمام طبقات انسانی جاری است و با «هماهنگی و هدایت» انسان را به مقصد می‌رساند.

لذا تعیین و تبیین اهداف تربیتی در نظام دانشگاهی نیز باید با توجه به ابعاد همه جانبه‌ی «تربیت روحی»، «تربیت ذهنی» و «تربیت عملی» صورت بگیرد.

ه) اگر اهل دقت‌های فلسفی هم نباشیم، کافی است تا مروری (هر چند کلی) بر رهنمودهای حضرت امام (ره) در موضوع بحث بیندازیم و به این نتیجه برسیم که؛ نظام دانشگاهی در جامعه‌ی اسلامی محتاج دگرگونی بنیادین می‌باشد. این تغییر و تحول در مسیر اهداف تربیتی یاد شده، اقتضای ابداع و نوآوری‌های جدیدی را در علوم دانشگاهی دارد.

آنچه این اهداف به ما دیکته می‌کند، مطلوبیت‌هایی است که باید ظهور آنها را در فرآورده‌های دانشگاهی مشاهده کنیم؛ دانشجو به عنوان محصول این نظام به رشد انسانی رسیده و دارای تربیت اسلامی باشد، دانش خود را با انگیزه‌های الهی همراه کرده و حس خدمت‌گزاری را بیابد، در جهت رفع احتیاجات مردم تلاش کند و در فکر و عمل، مستقل، و خود را هرگز محتاج

و وابسته به اجانب نداند و آخر اینکه روحیه‌ی ایستادگی و عدم تسلیم در برابر قدرتهای ظالم مادی در او قوی باشد.

بدون شک از آنجا که ماهیت دانشگاه را، علوم دانشگاهی می‌پروراند لذا باید بکارگیری آن علوم در صحنه‌ی اجتماع، زمینه‌ی تحقق و بسط اهداف مورد نظر فراهم گردد.

البته تردیدی نداریم که وضعیت کنونی دانشگاهها، جوابگوی این نیاز نیست؛ ولی نباید این اعتراف را مقدمه‌ی یأس و ناامیدی دانست؛ که باید، از آن به عنوان انگیزه‌ای برای تلاش و شدت بیشتر در رویارویی با مشکلات بهره برد.

و) همکاری نهادهای فرهنگی جامعه، بخصوص هماهنگی حوزه‌ها و دانشگاهها در این امر مهم، لازم به نظر می‌رسد و نیز مهمتر، ضرورت «سازماندهی» است؛ یعنی تعیین مطلوبیت‌ها، واگذاری مسؤولیت‌ها و سپس هدایت آنها.

اما افسوس که با گذشت سالهای بسیاری از انقلاب اسلامی و طرح معضلات و مسایل گوناگون مرتبط با جامعه، هنوز هم بعضی بر این پندارند که همان چارچوب‌های فکری علوم حوزوی و یا دانشگاهی توان جوابگویی به نیازهای کنونی جامعه‌ی اسلامی را دارند!

ز) جهت تأمین اهداف کلی، باید تصمیم‌گیری‌های کلان در مورد حوزه‌ها و دانشگاهها در یک جا به «وحدت» برسند. جدا کردن مسایل این دو نهاد و رها کردن آنها، نه تنها تحقق اهدافی این چنین را (که محتاج مشارکت و قبول مسؤولیت‌های خاص در هر بخش است)، تضمین نمی‌کند که حتی استقلال طبیعی آنها را نیز خدشه‌دار خواهد ساخت!

ح) گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش در جامعه و خصوصاً جوامع فرهنگی، تنها راه قدم‌گذاردن در وادی توسعه‌ی دانش بشری است. عادت دادن نظام تربیتی در دانشگاهها با امر پژوهش و توسعه‌ی «اخلاق تحقیقی» و بوجود آوردن حساسیت‌های آن در دانشجویان، زمینه‌ی رسیدن به اهداف تربیتی مذکور است. (۱)

اما باید در نظر داشت تحقیق‌های فردی و انفرادی بدون قرار گرفتن در یک نظام منسجم و دقیق، تأمین‌کننده‌ی نیازها نخواهند بود. به بیانی دیگر، اهداف جمعی، تحقیقات جمعی می‌طلبد. در دوران کنونی، تحقیقات در یک گستره‌ی جمعی قرار گرفته و این امر، مجال‌ی برای کارهای فردی باقی نمی‌گذارد. (۲)

سخن آخر، این ابیات زیبا از مثنوی مولوی که:

از محقق تا مقلد فرقه‌هاست

کاین چو داوودست و آن دیگر صداست

منیع گفتار این سوزی بود

و آن مقلد کهنه آموزی بود

۱. امام راحل در یکی از سخنان خود می‌فرمود: «مبارزه‌ی علمی جوانان در زنده کردن روح تحقیق و جستجو است.»

۲. جای تعجب و تأسف است که در دنیایی که بواسطه‌ی توسعه‌ی ارتباطات و طرح بسیاری از موضوعات جدید، بحث از «مدیریت احتمالات» است و در واقع «مدیریت تحقیقات» به امر «سازماندهی احتمالات» می‌پردازد، هنوز ما بدنبال جواب به شبهات قدیمی و کهنه (آنها با روشی کاملاً شخصی و انفرادی) هستیم!



پڙو، شڪاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني